

تکبرگی راه کارگر

روزنامه سیاسی هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: ارزنگ بامشاد دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۱-۲۰ه ۲۰۰۲ شماره ۱۴۸

ممنوعیت شکنجه یا

قانونیت شکنجه؟

ارزنگ بامشاد

روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۸۱ مجلس شورای اسلامی در شور دوم به طرح "ممنوعیت شکنجه" رأی داد و آن را به شورای نگهبان فرستاد. بر اساس این طرح « هرگونه اذیت و آزار بدنی زندانی برای گرفتن اقرار، چشم بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشت گاه، بازجویی در شب، بی‌خوابی دادن به زندانی، فحاشی و به کار بردن کلمات رکیک، توهین و یا تحقیر زندانی و انجام اقداماتی که عرفاً اعمال فشار روانی تلقی می‌شود» از مصادیق شکنجه به شمار می‌آیند. در ماده‌ای از این طرح آمده است: «کلیه اقرار و اعترافی که بدون رعایت مفاد این قانون از متهم اخذ شده و در دادگاه از طرف وی مورد انکار قرار گیرد، در صورت عدم وجود ادله و قرائن قابل قبول دیگر، از درجه اعتبار ساقط و از اعداد دلایل خارج خواهد شد». در این طرح هم چنین شورای «نظارت بر نحوه رفتار با زندانیان» پیش‌بینی شده است که از سه نماینده قوه قضاییه، سه نماینده قوه مقننه و سه نماینده قوه مجریه تشکیل خواهد شد.

تصویب طرح ممنوعیت شکنجه، یکی از وعده‌های اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. و اکنون با بالا گرفتن بحث پیرامون نوار بازجویی از متهمان قتل‌های زنجیره‌ای و علنی شدن ابعاد شکنجه برای گرفتن اقرار حتی از نیروهای سرسپرده‌ی امنیتی و اطلاعاتی و حد شقاوت و بی‌رحمی حاکم بر زندان‌های رژیم، اصلاح‌طلبان از این فرصت استفاده کرده و طرح مورد نظر را از تصویب گذرانند. اما سؤال اساسی این است که هدف از تصویب این طرح چیست؟ و آیا اصلاح‌طلبان واقعاً مخالف اعمال شکنجه هستند؟

تلاش اصلاح‌طلبان برای تصویب این طرح و ارسال آن به شورای نگهبان، در گام نخست تلاشی است برای ایجاد سبب حفاظتی برای نیروهای خودی. اصلاح‌طلبان نیک دیده‌اند که در چند سال گذشته چه‌گونه جناح رقیب با بی‌رحمی و شقاوت، نیروهای وابسته به جبهه اصلاح‌طلبان را دست‌گیر، زندانی و شکنجه کرده و از آن‌ها اقرارهای مورد نظر را گرفته است. ماجرای غلام حسین کرباسچی و شهرداران تهران، ماجرای دانشجویان وابسته به دفتر تحکیم وحدت، بازداشت نمایندگان مجلس به اتهامات گوناگون، دستگیری روزنامه‌نگاران وابسته به جبهه دوم خرداد و سازمان‌دهی محاکمات پیرامون فساد مالی که دادگاه شهرام جزایری یکی از آن‌هاست، همگی نشان‌دهنده‌ی ابعاد آسیب‌پذیری اصلاح‌طلبان در مقابل ماشین سرکوب تمامیت‌خواهان است. از این رو هدف بقیه در صفحه ۲

وفاق ملی و پندارهای جدید

تقی‌روزبه

از دیرباز بخش مهمی از اصلاح‌طلبان حکومتی و غیر حکومتی، برای گذر از بن‌بست‌هایی که پروژه اصلاح رژیم با آن مواجه بوده‌است، و نیز برای پشت‌سرگذاشتن ورطه‌هایی که هر دم در برابر رژیم یا کشور گشوده می‌شوند- ورطه‌هایی که عباس عیدی نتیجه‌اش را آب رفتن کشور می‌نامد- امید خویش را بر تغییر رفتار و گفت‌وگوهای سیاسی جناح حاکم دوخته‌اند. اختراع گرایش واقع‌بین و عقل‌مدار در میان جناح حاکم بر همین پندار استوار بوده‌است. با این‌همه جناح حاکم بر سر هر بزنگاه مهمی که بیش‌ترین انتظار تغییر رفتار سیاسی از جانب وی می‌رفته است، با زدن به سیم آخر و به هم ریختن کاسه و کوزه پنداریان، امید آنان را به یأس مبدل ساخته است. با وجود این در تبعیت از ضرب‌المثل قدیمی "روز از نو، روزی از نو" اصلاح‌طلبان جز بازتولید امیدهای به‌باد رفته بر بستر روندهای جدید راه دیگری برای سرپانگهداشتن امیدهای خویش نیافته‌اند. اکنون بازتولید این‌گونه پنداری‌ها، به جزئی از حیات سیاسی اصلاح‌طلبان و تئورسین‌های این جناح درآمده است. در واقع بدون چنین پنداری‌ها، اصل موجودیت و بقاء اصلاح‌طلبی و اللقاء امید به امکان‌دگرگونی در ساختار موجود، به‌زیر سؤال می‌رود. از این‌رو عجیب نیست که هر از چندی شاهد اوج‌گیری این‌گونه پنداری‌ها باشیم. آنان این بار وقوع موارد زیر را نشانه بروز عقلانیت مورد انتظار خویش یافتند:

گرچه قوه قضاییه ناچار گردید برای جلب رضایت خاتمی -که ظاهراً در این رابطه جناح حاکم را تهدید به استعفاء نمود- کوتاه آمده و با شرط و شروطی با شروع فعالیت مجدد روزنامه دولتی «ایران» موافقت نماید، اما مجموعه اقدامات دیگر آن قدر از صراحت معنا برخوردار بود که پندار پنداریان را بی‌رنگ سازد.

در این میان نحوه و زمان ورود ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی به داخل کشور، و نیز سخنانی را که وی در باب لزوم برپاساختن وفاق ملی در برابر تهدیدات خارجی بر زبان راند و مدعی شد که وفاق ملی در برابر تهدیدات خارجی جناح انحصارطلب و اصلاح‌طلب نمی‌شناسد، وی را در مظان اتهام داد و ستد پشت پرده با تمامیت‌خواهان و نیز با برخی محافل بین‌المللی قرار داد. مقالات و مصاحبه‌های امیرمحبیبیان -از تئورسین‌های جناح

-وقتی خاتمی به ملاقات سران ۵ کشور شمال ایران رفته بود، برخلاف موارد مشابه جناح حاکم دست به بحران‌سازی نزد.

-تابوی بحث رابطه با آمریکا در روزنامه‌ها شکست شد و کسی هم آنان را تهدید نکرد.

-آزادی موقت و مشروط ملی-مذهبی‌ها،

درگذشت یداله سبحانی و تسلیت‌سران قوم به مناسبت آن، ورود ابراهیم یزدی به داخل کشور بدون آن‌که بازداشت شود و بالاخره مقاله‌ها و مصاحبه‌های سرمقاله‌نویس روزنامه «رسالت» و یکی از تئورسین‌های جناح تمامیت‌خواه که در آن نوعی دیدگاه "حداقلی و رومدار" را مطرح ساخته است.

دیدگاهی که مطابق آن اگر نهضت آزادی تجدید نظر فکری و سیاسی بکند و از قلمرو اپوزیسیون به قلمرو پوزیسیون نقل مکان نماید، گویا یک بار دیگر به وسیله نظام تحمل خواهد شد.

با این‌همه در لحظه‌ای که این سطور به رشته

بقیه در صفحه ۲

کارزار دفاع از زندانیان

سیاسی و عقیدتی در ایران

در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۱ ممنوعیت شکنجه یا قانونیت.....

اساسی اصلاح طلبان در تصویب این لایحه ایجاد شرایطی است که نیروهای خودی تحت فشارهای گوناگون در زندان قرار نگیرند و در صورت بازداشت و اسارت، امکان نظارت بر کار بازجوها و محاکمات وجود داشته باشد.

در کنار این هدف اولیه، هدف دیگر اصلاح طلبان از تصویب این طرح، توجه به شرایطی است که جامعه در آن قرار دارد. اصلاح طلبان از ابعاد بحران‌های سیاسی و اجتماعی درون جامعه به خوبی آگاهند. آن‌ها نگرانی خود از خطر انفجار اجتماعی را حالا دیگر به طور علنی نیز بیان می‌کنند. سخنان هفته‌ی گذشته خاتمی در جمع معلمان نمونه کشور و با سخنان عباس عیدی که گفته بود «کشور را آب خواهد برد»، ابعاد این نگرانی را نشان می‌دهد. از این روست که اصلاح طلبان برای کاستن از شدت خشم تلمبار شده در میان مردم و به ویژه خشم ناشی از ابعاد جنایات رژیم اسلامی در زندان‌های کشور، مجبورند چنین وانمود کنند که در تلاشند تا شرایط جدیدی به وجود آورند و از تکرار «اشباهات» گذشته پرهیز کنند. به دیگر سخن این طرح، از سوی اصلاح طلبان باید هم چون آب سردی باشد که بر آه‌ها گداخته ریخته خواهد شد.

اما علی‌رغم این هدف‌ها که در پشت تصویب "طرح ممنوعیت شکنجه" نهفته است، اصلاح طلبان به دلیل آن که از یک سو باید در چهارچوب قانون اساسی رژیم اسلامی حرکت کنند و از سوی دیگر به قوانین شرع پای بند بمانند، با گنجانیدن استثناءهایی گسترده در کاربرد شکنجه، عملاً طرح ممنوعیت شکنجه را به طرح قانونی شدن شکنجه برای غیرخودی‌ها تبدیل کرده‌اند. در ماده‌ای از این طرح آمده است: «فعالیت در شبکه‌های قاچاق مواد مخدر، هرگونه اقدام مسلحانه، گروگان‌گیری و آدم‌ربایی، جاسوسی به نفع بیگانگان و عضویت در گروه‌های محارب از جمله مواردی است که با قرار رئیس شعبه دادگاه رسیدگی کننده می‌توان در آن محدودیت‌هایی برای زندانی اعمال داشت». بر پایه این ماده قاضی دادگاه حق دارد در موارد فوق دستور شکنجه برای گرفتن اقرار از متهم را صادر کند. توجه به موارد به کار برده شده در این بند روشن می‌کند که هر دگراندیشی در جمهوری اسلامی می‌تواند به سادگی مشمول این ماده شود و به صورت قانونی و به دستور قاضی دادگاه مورد شکنجه قرار گیرد. وقتی نویسنده‌ای هم چون سعیدی سیرجانی به قاچاق مواد مخدر، ارتباط با بیگانان متهم می‌شود؛ وقتی ناصرزافشان وکیل سرشناس کشور به داشتن اسلحه و قصد اقدام مسلحانه متهم می‌گردد؛ وقتی سیامک‌پورزند روزنامه‌نگار با سابقه‌ی کشور متهم به جاسوسی برای بیگانگان و ارتباط با گروه‌های "محارب" می‌شود؛ وقتی نیروهای ملی-مذهبی به براندازی متهم می‌شوند، می‌توان گستردگی شمول این ماده را دریافت. و آن وقت تکلیف اعضا و هواداران گروه‌های سیاسی و مبارز که پیشاپیش روشن است.

با تصویب این ماده که معنایی جز قانونی کردن شکنجه ندارد، اصلاح طلبان نشان داده‌اند که شکنجه‌های گسترده در زندان‌های رژیم در تابستان سال ۱۳۶۰ و تمامی سال‌های بعد و حتی قتل عام زندانیان سیاسی در

دنباله از صفحه ۱ وقایع ملی و پندارهای جدید

حاکم- و سخنانی که مهندس سبحانی در مورد رد قطع نامه محکومیت حقوق بشر به سود دولت ایران به شرط آزادی ملی-مذهبی‌ها و ورود ابراهیم یزدی به داخل کشور بر زبان راند، تردیدی در وجود این گونه داد و ستدهای پشت پرده باقی نگذاشت. داد و ستدی که گفته می‌شود حتی حساسیت و انتقاد اصلاح طلبان دولتی و غیر دولتی درون کشور را -به دلیل بهره‌برداری جناح حاکم- برانگیخت. با این همه برای پی‌بردن به عمق مانورها و تاکتیک‌های جدید تمامیت خواهان نگاهی به نگرش‌ها و ارزیابی‌های دو طرف نسبت به شاخصه‌های اصلی بحران ضروری است. تلقی متفاوت هرکدام از دو جناح نسبت به این شاخصه‌ها، به خوبی عمق شکاف دو جریان را نسبت به مهم‌ترین روندهای سیاسی لحظه حاضر خاطر نشان می‌سازد:

جناح اصلاح طلب رژیم وجوه اصلی بحران را در سه شاخصه جدی بودن تهدیدهای خارجی، روند فروپاشی اجتماعی و روی برگرداندن مردم از رژیم، و بالاخره در افزایش شکاف‌های حاکمیت که به زعم آنان نشان‌دهنده نوعی حاکمیت دوگانه است فرموله می‌کند. بی تردید این شاخصه‌ها، صرف نظر از نوع نگاه و ریشه‌یابی آن‌ها، واقعیت‌های کتمان‌ناپذیر بوده و

تابستان سال ۶۷ را اقداماتی درست و ضروری ارزیابی می‌کنند. زیرا حتی اگر این ماده در آن روزها که "اصلاح طلبان امروزی" قدرت فائده در هرم قدرت رژیم اسلامی را داشتند، از تصویب گذشته بود، باز به صورت "قانونی" می‌شد همان اقدامات جنایت‌کارانه را انجام داد و آن را برای حفظ نظام اسلامی ضروری دانست.

تصویب این طرح به هم‌راه استثناءات آن از سوی اصلاح طلبان، یک‌بار دیگر سترون بودن تلاش‌های اصلاح طلبانه در رژیم اسلامی و اصلاح‌ناپذیر بودن آن را نشان می‌دهد. اصلاح طلبان که مدام به مردم وعده اصلاحات می‌دهند و حتی خاتمی تهدید می‌کند در صورت ممانعت از انجام اصلاحات از سمت ریاست جمهوری کناره‌گیری خواهد کرد، وقتی در عمل پای اصلاحات و تغییرات پیش می‌آید، آن وقت تمامی اقدامات شان معطوف به ایجاد شرایط مناسب برای نیروهای خودی است. از این رو چه برای تمامیت خواهان و چه برای اصلاح طلبان، دگراندیشان و غیرخودی‌ها در جمهوری اسلامی جایی برای ابراز وجود و حتی برای آسوده‌زیستن و در راه اهداف خود تلاش کردن وجود ندارد. جمهوری اسلامی، جمهوری آپارتاید است. در این جمهوری تنها بخشی از مردم که از سوی رهبران رژیم مردم نامیده می‌شوند، از حق زیستن و مشارکت در عرصه‌های گوناگون برخوردارند و اکثریت به مثابه دگراندیشان و غیرخودی‌های باید زیر تیغ سرکوب مدام باشند. و این خود نیز نشان‌دهنده آن است که هیچ اصلاحی در بنیان‌های این رژیم امکان‌پذیر نیست و اگر قرار است شرایطی به وجود آید که در آن هر نوع شکنجه قانوناً ممنوع شود و این ممنوعیت عملاً اجرا شود، در گام نخست باید بنیان‌های این جمهوری آپارتاید اسلامی را درهم شکست زیرا توبه گرگ مرگ است.

اوضاع سیاسی حاکم بر کشور وجود آن‌ها را هر لحظه خاطر نشان می‌سازد. سخنان اخیر خاتمی مبنی بر طرح مسأله استعفاء، بیان‌گر متراکم شدن دیواره‌های "انسداد" و رسیدن اوضاع کشور به آستانه "فروپاشی" که وی آن را قرار داشتن کشور در آستانه "آشفستگی" می‌خواند، بیان‌گر همین وضعیت است. وضعیتی به شدت آسیب‌پذیر که وی حتی گله‌گذاری از کارشکنان را موجب فروغلطیدن به وادی "آشفستگی" می‌داند. تشدید بحران در مرزهای شمالی ایران در پی روی کرد جدید روسیه (و مانور نظامی وی در این دریا) و مواضع سایر کشورهای آن سوی دریای خزر، حلقه محاصره رژیم ایران را کامل ساخته و پایه‌های استراتژی دفاعی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی را بهم ریخته است. هشدار برخی از انجمن‌های اسلامی دانشجویی در مورد خطر تکرار قرارداد ترکمن‌چای، نشان دیگری است از فزاید بحران فوق. در حالی که جناح اصلاح طلب بیرون رفت از بحران را گشودن نوعی رابطه با آمریکا در راستای کاهش تنش‌ها و به وجود آمدن نوعی وفاق داخلی بر اساس تساهل و تمکین به قانون و فراهم کردن شرایط مناسب برای جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی برای راه اندازی اقتصاد فلج شده می‌داند، جناح حاکم ضمن تصدیق ظاهری این خطر، اما اولاً- آن را چندان جدی قلم داد نمی‌کند و ثانیاً- با توجه به تضادهای بین‌المللی و بحران‌های داخلی آمریکا، آمریکا را درحال فروپاشی و اضمحلال ارزیابی می‌کند. این تصور به ویژه پس از تشدید تنش‌های منطقه و اعتراض‌های جهانی علیه اسرائیل و به دنبال سرکوب وحشیانه مردم فلسطین و مشکلاتی که دولت آمریکا در سرکوب و قلع و قمع القاعده و طالبان در افغانستان با آن مواجه شده است و نیز با تشدید تضادهای اروپا و آمریکا، تقویت هم شده است.

در عین حال جناح حاکم، منشأ بحران‌های اجتماعی و شکاف‌بالائی‌ها را وجود برخی روزنامه‌های وابسته به حریف، وجود پای‌گاه‌های نفوذی دشمن در داخل و اقدامات قانون‌شکنانه حریف می‌داند. و لاجرم بر همین اساس پاسخ اساسی به تهدیدهای موجود را در سرکوب دگراندیشان و نیروهای مخالف و خاموش کردن روزنامه‌های مخالف جستجو می‌کند. جناح حاکم در همان حال با روی آوردن به دیپلماسی پنهان و ارسال زیگنال‌هایی به خارج کشور مبنی بر این‌که این اوست که قدرت فائده را در دست دارد، دول غربی را ترغیب می‌کند که با این جناح وارد مذاکره شوند. راه اندازی مذاکرات پشت پرده قبرس -که منجر به برکناری صادق خرازی از معاونت وزارت امور خارجه گردید- یکی از همین دالان‌های هزارتوی دیپلماسی پنهانی است که جناح حاکم این روزها سخت بدان مشغول است. درحوزه سیاست داخلی نیز جناح حاکم بی‌کار نه نشسته و در تدارک دوران پس از خاتمی است. در این راستا بلوک خامنه‌ای-رفسنجانی در جستجوی علم کردن احزاب و شخصیت‌های محلل جای‌گزین

بقیه در صفحه ۳

کارزار دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

ما امضاء کنندگان اولیه این بیانیه :

۱- انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران-پاریس ۲- انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی-ونکوورکانادا ۳- جنبش هم بستگی برای آزادی و دموکراسی در ایران-نروژ ۴- فرهنگ سرای اندیشه -گوتنبرگ سوئد ۵- کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران-آخن آلمان ۶- کانون دفاع از زندانیان سیاسی-برلین آلمان ۷- کانون دوست داران فرهنگ ایران- واشنگتن آمریکا ۸- کانون دموکراتیک ایرانیان-سوئیس ۹- کانون پناهندگان سیاسی ایران-برلین آلمان ۱۰- کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران-استکهلم سوئد ۱۱- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی- انگلستان ۱۲- کمیته دفاع از آزادی اندیشه ، قلم ، بیان و اجتماعات در ایران-هانوفر آلمان ۱۳- کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران- گوتنبرگ سوئد ۱۴ - کمیته دفاع از مبارزات دموکراتیک مردم ایران- انگلستان

اخبار و گزارشات نگران کننده داخل کشور به ویژه زندانیان سیاسی را در آستانه نوزد ۱۳۸۱ دریافت داشتیم :
سیامک پورزند روزنامه نگار با سابقه (همسر مهرانگیز کار حقوقدان) را بعد از ماه ها ربودن و شکنجه به بی دادگاه می کشانند، او در پیامی از زندان به دخترش اعلام می دارد: «مرا مرده فرض کنید! تصور کنید من مرده ام!»

منوچهر محمدی از رهبران جنبش دانشجویی پس از یک سال زندان در دادگاه تجدیدنظر به ۱۳ سال حبس محکوم شده ، در حالی که او و برادرش اکبر محمدی از ناراحتی های جسمانی ناشی از شکنجه در زندان رنج می برند، در مورد سرنوشت احمد باطنی دانشجوی زندانی نگرانی جدی وجود دارد، و عباس امیران نظام قدیمی ترین زندانی سیاسی هم چنان در بلاتکلیفی بسر میبرد؛

فعالین سیاسی کرد در زندان شکنجه و اعدام می شوند، برخی از فعالین جنبش دانشجویی دکتر فرزاد حمیدی، نیما ذاکری و ۷۰۰۰ هم چنان در سلول های انفرادی اند، از وضعیت خلیل رستم خانی و سعید صدر از محکومین پرونده موسوم به کنفرانس برلین هیچ گونه اطلاعی در دست نیست؛

ناصر زرافشان حقوق دان و وکیل خانواده های مختاری و پوینده به جرم پی گیری پرونده قتل های زنجیره ای سیاسی در یک دادگاه فرمایشی در پشت درهای بسته به ۵ سال زندان و ۷۰ ضربه شلاق محکوم می شود، ستاد قتل های سیاسی بازسازی شده است، با فراخواندن روشن فکران و نویسندگان و دگراندیشان به اماکن مخصوص دور تازه ای از دست گیری ها، زندان، شکنجه و ترور را تدارک دیده اند،

ما امضاء کنندگان بیانیه کارزار دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، احکام دست گیری، بازداشت، شکنجه، و آدم ربائی حکومت جمهوری اسلامی را بشدت محکوم می کنیم و هرگونه احکام صادره در بی دادگاه های

در بسته رژیم را فاقد ارزش و اعتبار قانونی دانسته و آن را برخلاف میثاق های حقوقی بین المللی می دانیم، کارزار اعتراضی ما برای افشای نظام جمهوری اسلامی و برای روشنگری افکار عمومی به اشکال مختلف در سراسر جهان ادامه خواهد داشت ، تشکیل دادگاه بین المللی برای محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت اوج این مبارزات می باشد، شعار محوری ما در این کارزار، آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی است !

ما از شما آزادی خواهان ایرانی، فعالین نهادهای دموکراتیک انجمن ها و تشکل های مدافع حقوق بشر دعوت می نمایم که:

برای بازگشائی مجدد پرونده قتل های زنجیره ای، دفاع از ناصرزرافشان و وکیل مدافع پرونده قتل های سیاسی، دفاع از سیامک پورزند روزنامه نگار با سابقه ایرانی، برای آزادی دانش جویان دربند و نیز اعزام هیئت تحقیق مستقل بین المللی به ایران به منظور بررسی پرونده قتل های زنجیره ای و بازدید از زندان های ایران، ضمن امضاء این سند، به جمع آوری امضاء در سراسر جهان به پردازید، مفاد خواسته های فوق را به هم راه امضاء های جمع آوری شده به مجامع بین المللی و نهادهای مستقل مدافع حقوق بشر جهانی ارسال خواهیم کرد،

ما از همه احزاب و سازمان های اپوزیسیون دعوت می کنیم که از این اقدام حمایت نمایند.

فاکس: ۰۰۳۳۱۴۸۹۸۱۸۳۳ و ۰۰۶۳۱۱۳۹۸۹۷

A D P O I @ hotmail.com
gbgandishe@hotmail.com
idsoc2000@yahoo.co.uk

امضاء ها :

۱- ابراهیم آوخ ۲- فائزه (فریبا) ثابت ۳- حسن عزیزی ۴- مقصود کاسی ۵- بیژن رستگار ۶- بهروز فراهانی ۷- علی کریمی ۸- حسن حسام ۹- خسرو عبدالمی ۱۰- پرویز نویدی ۱۱- امیر جواهری ۱۲- جعفر ابراهیم زاده ۱۳- محمود معمارنژاد ۱۴- محمدرضا شاکلونی ۱۵- ناهید ناطقی ۱۶- پرویز قلیچ خانی ۱۷- بیژن سعید پور ۱۸- علیرضا جالبیوسی ۱۹- ایرج حیدری ۲۰- کیتاش شمس ۲۱- رضامرزبان ۲۲- نعمت آرم ۲۳- شهاب لبیب ۲۴- ناصر روشن ضمیر ۲۵- روبین مارکاریان ۲۶- عباس مظاهری ۲۷- پرویز آذر ۲۸- شهرام کریمی ۲۹- جلال رستمی ۳۰- اصغر ایزدی ۳۱- منیره برادران ۳۲- محرم ایماز ۳۳- علی اعتدالی ۳۴- نجف روحی ۳۵- محمد دشتی ۳۶- ناصر جوهری ۳۷- احمد مزارعی ۳۸- سعیده گرجانی ۳۹- نیلوفر یضائی ۴۰- آکبر سهرابیان ۴۱- رضایت ساز ۴۲- سروش قازاریان ۴۳- رفعت رنجبران ۴۴- کوکب نظری ۴۵- مجتبی نظری ۴۶- اردشیر نظری ۴۷- هادی جواهری ۴۸- خلیفه موسوی ۴۹- داریوش آرام ۵۰- احمد افشاری ۵۱- شهره ارفق ۵۲- پرویز جواهری ۵۳- احمد افسری ۵۴- دکتر حامد شهیدیان ۵۵- پرفسور منوچهر سلیمانی ۵۶- مهدی کیا ۵۷- امید صالحی ۵۸- فیروز آذر ۵۹- رضا برومند ۶۰- انوشه آزاد منش ۶۱- علیمحمد مقدس ۶۲- جواد یگانه ۶۳- ناصر صمانی ۶۴- حسین یحیائی ۶۵- حسین بقائی ۶۶- رسول صفر بانی ۶۷- حسین رمزی ۶۸- قاسم هاشمی ۶۹- مسعود تبریزیان ۷۰- هومن عرفانی ۷۱- عیدی عسگری ۷۲- غلام احمدی ۷۳- پروانه مقدم

بقیه در صفحه ۴

(از جمله کارگزاران و تست شخصیت هایی چون مهاجرانی و...) برای انتقال به وضعیت مطلوب است. زد و بند جناح حاکم با ابراهیم یزدی را نیز باید جزئی از این مانورهای جناح حاکم برای غلبه بر وضعیت بحرانی جدید به شمار آورد. مطرح شدن الگوی چین با هدف حفظ ساختار و قدرت موجود- صرف نظر از این که تا چه حد با واقعیت جامعه ایران امروز خوانائی دارد- نیز چیزی جز تلاش برای انطباق خود با بحران جدید نیست.

با این وجود باید گفت که سیاست جناح حاکم با توجه به محتوای واقعی آن با این گونه مانورها متناقض بوده و بدان خصلت شکننده و کم دامنه می دهد که با هدف آشفته کردن صفوف مخالفین و تلاش برای ایجاد امیدهای مقطعی در سطح بین المللی به کار گرفته می شود.

علاوه بر آن، نگاهی به روندهای جاری نشان می دهد که:

- نقش اصلاح طلبان و به ویژه مدافعان سیاست اعتدالی به رهبری خاتمی-کروبی، جز به وجود آوردن یک چهره تزئینی برای جمهوری اسلامی در سطح داخلی و جهانی و فراهم ساختن حاشیه امن برای جناح تمامیت خواه و تداوم نظام حاکم نیست. اصلاح طلبان دولتی که با افتخار رد قطع نامه محکومیت ایران در سازمان ملل را یک پیروزی تاریخی برای خود و جمهوری اسلامی به حساب می آورند، باید منطقاً خود را شریک و پاسخ گو در برابر اعدام ها، سرکوب ها و شکنجه های رژیم جمهوری اسلامی بدانند. در گذشته خاتمی طرح مسأله فرزاندم از سوی برخی از اصلاح طلبان را خیانت نامید و این مطالبه را به پس صحنه راند. اکنون که با تشدید ابعاد بحران و بن بست سیاسی، یک بار دیگر زمزمه های این شعار بلند می شود، مزروعی و تعدادی دیگر از دست اندرکاران این جناح مدعیند مسأله عمده حاکمیت قانون است و نه تغییر آن! ایفای نقش سپر حفاظتی بسطی نظام و در همان حال ادای اپوزیسیون را در آوردن به پایان راه خود رسیده و موجب ریزش هر چه بیشتر پایه های جناح اصلاح طلب می گردد.

۲- شکاف درونی و عمل کرد دوگانه رژیم آشکارا به عرصه های دیپلماسی نیز تسری یافته است. و همین مسأله بر میزان مداخله و درجه اعمال نفوذ و نقش آفرینی قدرت های خارجی افزوده است.

۳- سرکوب دگراندیشان به عنوان "پای گاه نفوذ دشمن خارجی" و متوسل شدن به نوعی زد و بندهای پنهانی با کشورهای غربی، تاکتیک مرکزی جناح حاکم را تشکیل می دهد. و در این راستا همان گونه که مصادره شکل گفتمان اصلاح طلبی با محتوای تمامیت خواهی، تاکتیک جناح حاکم را تشکیل داده و می دهد، در رابطه با استراتژی وفاق ملی نیز همان محتوا با مصادره گفتمان جدید ترکیب گردیده است. آن چه که به جناح حاکم امکان پیش روی و مانور حول این تاکتیک را می دهد، طرح این استراتژی از سوی اصلاح طلبان است.

- ۲۲- نیکی میرزائی ۷۳- محسن احمدی ۷۴- ایران فرجی ۷۵- نرگس احمدی ۷۶- محمد خیری ۷۷- محمود عرفانی ۷۸- باقر ابراهیم زاده ۷۹- جواد اسکونی ۸۰- اردشیرمهرداد ۸۱- آرش نورکپهانی ۸۲- آرش کمانگیر ۸۳- سیامک جهانیش ۸۴- حسین رادبوی ۸۵- علی ریاضی ۸۶- احمد رنجبر ۸۷- حمیددادخواه ۸۸- سیواش ستوده ۸۹- مازیارعطری ۹۰- مسعودفراز ۹۱- مهران اعظمی ۹۲- عیدی نعمتی ۹۳- احمد مزارعی ۹۴- نیازسلیمی ۹۵- مهدی توسلی ۹۶- محسن فرد ۹۷- رضاییکی ۹۸- مجید میرزائی ۹۹- سهراب شباهنگ ۱۰۰- مسعود خدانبده ای ۱۰۱- فرامرز پورنوروز ۱۰۲- عبدالقادریلوج ۱۰۳- سیناسرگانی ۱۰۴- نرگس کرمانشاهی ۱۰۵- نسرتین احمدی ۱۰۶- دکترمهدی یوسفی ۱۰۷- جعفرمدنی ۱۰۸- مهدی حاج نظر ۱۰۹- جوادبازک ۱۱۰- خسروباقرپور ۱۱۱- دکترحسن عباسی ۱۱۲- مسعودبولادی ۱۱۳- عسکراهتین عضوهای دبیران انجمن قلم درتبعید ۱۱۴- شیرین رضویان عضوهای دبیران کانون نویسندگان ایران درتبعید ۱۱۵- ایراندخت کوهل ۱۱۶- رضاجعفری ۱۱۷- آرش ضیائی ۱۱۸- اصغرداوری ۱۱۹- غلام آل بویه ۱۲۰- اصغرنمرتی (چهره) ۱۲۱- احمدنونین ۱۲۲- سیدحسن نهامی ۱۲۳- سیدحسین تهاهی ۱۲۴- ویداصالح ۱۲۵- محمدامین ملازادگان ۱۲۶- سعیدافشار ۱۲۷- پروانه ناجی ۱۲۸- دکترجوادی ۱۲۹- علی نیری ۱۳۰- نسرتین آزاد ۱۳۱- نادرسعیدی ۱۳۲- مرتضی شاه ابراهیمی ۱۳۳- نسترن قاضی نور ۱۳۴- منصور عرفان ۱۳۵- قاسم لطیف ۱۳۶- حسین نوربخش ۱۳۷- یاوراستوار ۱۳۸- سعیدپورمند ۱۳۹- سیاوش فرجی ۱۴۰- مهشیدراستی ۱۴۱- حیدرجهانگیری ۱۴۲- هرمزگریمی ۱۴۳- جمشیدکریمی ۱۴۴- مجیدمدنی ۱۴۵- رضاقاضی نور ۱۴۶- علی قاضی نور ۱۴۷- احمدحرثی ۱۴۸- مسعودمهرابی ۱۴۹- ارسلان کریمی ۱۵۰- اکبرشقایق ۱۵۱- امیرنیلو ۱۵۲- اردلان کریمی ۱۵۳- اصغربرزو ۱۵۴- روح الله فعلی ۱۵۵- احمد علوی ۱۵۶- حسین زمانی ۱۵۷- علی زمانی ۱۵۸- حمیدپورمند ۱۵۹- مهدی معماری ۱۶۰- مهدی قاضی نور ۱۶۱- کریم زندگانی ۱۶۲- علی فکری ۱۶۳- مهین اسدی ۱۶۴- میناپویا ۱۶۵- یوسف شیروندی ۱۶۶- مریم البرزی ۱۶۷- محمداعظمی ۱۶۸- رضاگریمی ۱۶۹- علی عابدی ۱۷۰- بهروزنظری ۱۷۱- دکتررضافغاری ۱۷۲- سیامک آبادی ۱۷۳- محمودحشمت ۱۷۴- یوسف آبخون ۱۷۵- حمیدمژده ۱۷۶- نسرتین ابراهیمی ۱۷۷- مرضیه بنائلی ۱۷۸- محمدعابد ۱۷۹- پروانه سلطانی ۱۸۰- ضیاوروشن ۱۸۱- مسعودافشاری ۱۸۲- شهاب شکوهی ۱۸۳- حسن طهاهی ۱۸۴- حسین طهاهی ۱۸۵- جوادنوید ۱۸۶- صدیقه یوسفی ۱۸۷- خسرومحمدخانی ۱۸۸- سیروس داستاران ۱۸۹- علی حکمتی ۱۹۰- داریوش آرام ۱۹۱- مجیدمظفری ۱۹۲- رضا صداقت ۱۹۳- فرشادبیگی ۱۹۴- شکوفه ابراهیم زاده ۱۹۵- علی میرحسینی ۱۹۶- شیواهار ۱۹۷- حسن جعفری ۱۹۸- ویداموشیار ۱۹۹- حمیلا نیسگیلی ۲۰۰- محمدآزادگر ۲۰۱- فخری زرشکه ای ۲۰۲- وجیه اله قاسمی ۲۰۳- ایرج یوسفی ۲۰۴- میهن جزنی ۲۰۵- ژینوس پزشکی ۲۰۶- رؤف کعبی ۲۰۷- احمد اسکندانی ۲۰۸- فرهنگ رکنی ۲۰۹- اکبرسپیده دم ۲۱۰- نسیم خاکسار ۲۱۱- دانیل زهری ۲۱۲- سعیدپورمند ۲۱۳- حمیدفروتن ۲۱۴- بهرام امامی ۲۱۵- مژگان رضایا ۲۱۶- رضا علامه زاده ۲۱۷- ثریافلاح ، کارشناس ارشدحقوق وروابط بین المللی - آمریکا ۲۱۸- محمدعلی مرادیان (آزاد، م) کارشناس امورروانی - آمریکا ۲۱۹- مسعود فتحی ۲۲۰- فرزانه عطیمی ۲۲۱- سعیدرهبر ۲۲۲- مرتضی بوداگی ۲۲۳- شاهین بوداگی ۲۲۴- محمدرضایاقری ۲۲۵- نیلوفرباقری ۲۲۶- صدیقه شمس ۲۲۷- عزت الملوک امامی
- ۲۲۸- مهین توفیق ۲۲۹- منیر توفیق ۲۳۰- سروزیباقری ۲۳۱- مهرداددرویش پور ۲۳۲- داوودنوائیان ۲۳۳- وحید انصاری ۲۳۴- فرامرز دری ۲۳۵- حسین باقری ۲۳۶- داریوش صفری ۲۳۷- داوودنیکومنش ۲۳۸- حمیدرضانعمت زاده ۲۳۹- محمد ایزدخواه ۲۴۰- محمدهادی امینیان ۲۴۱- بهنام مددی ۲۴۲- حمیدموسوی ۲۴۳- خسروداوودی ۲۴۴- سیدسعیدشجاعی ۲۴۵- پوران پورسنگری ۲۴۶- مصطفی پورسنگری ۲۴۷- شیرین بیات ۲۴۸- سیدعلی حسینی ۲۴۹- علی شمس ۲۵۰- مطهره نصیری ۲۵۱- محمد حسین نصیری ۲۵۲- فرامرزنصیری ۲۵۳- معصومه خاکسار ۲۵۴- رسول شمس ۲۵۵- ابراهیم فروغی ۲۵۶- زهره شمس ۲۵۷- عباس دوستدار ۲۵۸- مهردادصادقی ۲۵۹- فرهادصادقی ۲۶۰- فرشیدفریدونی ۲۶۱- ساسان رجی فام ۲۶۲- فریالجه ۲۶۳- تقی سلطانی ۲۶۴- فرج اله برجیان ۲۶۵- هوشنگ دیناروند ۲۶۶- سهیلا مسافر ۲۶۷- نادیا کمانگر ۲۶۸- مهری جعفری ۲۶۹- هدایت اله سلطانزاده ۲۷۰- اکبرسیف ۲۷۱- بیژن حقیقی ۲۷۲- آبرام رنجبر ۲۷۴- تراب حق شناس ۲۷۵- پوران بازگان ۲۷۶- پروین دارابی ۲۷۷- ویداحاجی ۲۷۸- یوسف اردلان ۲۷۹- رسول آذرنوش ۲۸۰- ابراهیم رحمانیان ۲۸۱- علی یوسفی ۲۸۲- عباس عاقلی زاده ۲۸۳- حمیدپورقاسمی ۲۸۴- هماشرف الدین ۲۸۵- خلیل عاقلی زاده ۲۸۶- اصغراسلامی ۲۸۷- احمدحفریان ۲۸۸- علی اسدیک ۲۸۹- سیمین نصیری ۲۹۰- سعیدآرمان ۲۹۱- رضا آرمان ۲۹۲- نواز مصلی نژاد ۲۹۳- حسین نقی پور ۲۹۴- ارژنگ بامشاد ۲۹۵- نسیم ابراهیم زاده ۲۹۶- حشمت محسنی ۲۹۷- کرامت رحمانیان ۲۹۸- احمدجعفریان ۲۹۹- رضا آبدیده ۳۰۰- ناهیدچرخشت ۳۰۱- محسن چرخشت ۳۰۲- بابک سعیدی ۳۰۳- ستاره سعیدی ۳۰۴- آزاده سعیدی ۳۰۵- فرهاداحمدی ۳۰۶- منیر احمدی ۳۰۷- اصغر تابش ۳۰۸- آناهیتا هدایت ۳۰۹- پروانه هدایت ۳۱۰- مهران هدایت ۳۱۱- لوتیز بهرامی ۳۱۲- حیدر شاملو ۳۱۳- جهانگیر شاملو ۳۱۴- صمصام داوری ۳۱۵- نیلوفر جوادی ۳۱۶- شاره مینائی ۳۱۷- سیروس مینائی ۳۱۸- مجید دائمی ۳۱۹- مریم پروین ۳۲۰- اشرف زارعی ۳۲۱- حسین زارعی ۳۲۲- وحید خجسته ۳۲۳- سارا خجسته ۳۲۴- نسترن خجسته ۳۲۵- بابک حمیدنیا ۳۲۶- رضیه نیکومنش ۳۲۷- زین العابدین حقانی ۳۲۸- احمد بناسازنوری ۳۲۹- فرج آلیاری ۳۳۰- دانش باقر پور ۳۳۱- اشرف کریمی ۳۳۲- بهمن امینی ۳۳۳- حسین دولت آبادی ۳۳۴- باقر مومنی ۳۳۵- بنفشه مسعودی ۳۳۶- هومن آذركلاه ۳۳۷- اکبر ذکاتوی ۳۳۸- فرج سرکوهی ۳۳۹- بابک یزدی ۳۴۰- هادی جفرووی ۳۴۱- شعله ایرانی ۳۴۲- پیران آزاد ۳۴۳- اکبر شالگونی ۳۴۴- جواد دادستان ۳۴۵- فرزانه درودی ۳۴۶- زهره ستوده ۳۴۷- شه زادمردی ۳۴۸- حسین اسدی ۳۴۹- همایون بنهمنش ۳۵۰- کیومرث ثریا ۳۵۱- محمود معتمدی ۳۵۲- بهرام ثریا ۳۵۳- مصطفی شریفی ۳۵۴- حسین مقدم ۳۵۵- علی آزاد ۳۵۶- امیر اصغری ۳۵۷- حرمت صدقی ۳۵۸- شیرین مرادی ۳۵۹- عزیز اندیشه شیرازی ۳۶۰- منصور احمد نژاد ۳۶۱- مریم میرزائی ۳۶۲- ناصرمیرزائی ۳۶۳- ویدا مزارعی ۳۶۴- حسن صادقی ۳۶۵- محمود نجاتی ۳۶۶- هوشیار قائمی ۳۶۷- نادر اکرم زاده ۳۶۸- پری اکرم زاده ۳۶۹- منصور انصاری ۳۷۰- جاوید یحیی زاده ۳۷۱- زهره ارشادی ۳۷۲- مریم متین دفتری ۳۷۳- هدایت اله متین دفتری ۳۷۴- جعفر غفرابور ۳۷۵- منوچهر رادین ۳۷۶- شهرزاد رادین ۳۷۷- مجید اردین ۳۷۸- مینا پویا ۳۷۹- رخشنده حسین پور ۳۸۰- احمد رضازاده ۳۸۱- ناهید رضازاده ۳۸۲- آذر نادری ۳۸۳- محمود رضائی ۳۸۴- ناصرسهرابی ۳۸۵- مینا زاهدی ۳۸۶- اعظم زاهدی
- ۳۸۷- پرویزاعتمادی ۳۸۸- زهره اعتمادی ۳۸۹- حمیداکبری ۳۹۰- آذر خونانی ۳۹۱- هوشنگ کشاورزصرد
- نهادهای دمکراتیک :**
- ۱- انجمن دفاع از زندانیان سیاسی وعقیدتی درایران- پاریس ۲- انجمن مهاجرین وپناهندگان ایرانی-ونکور کانادا ۳- جنبش همبستگی برای آزادی ودمکراسی درایران -نروژ ۴- فرهنگسرای اندیشه گوتنبرگ-سوئد ۵- کانونحمایت ارزندانایان سیاسی ایران آخن-آلمان ۶- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران برلین- آلمان ۷- کانون دوستداران فرهنگ ایران- واشنگتن آمریکا ۸- کانون دمکراتیک ایرانیان-سوئیس ۹- کانون پناهندگان سیاسی ایرانی برلین آلمان ۱۰- کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران استکهلم- سوئد ۱۱- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی- انگلستان ۱۲- کمیته دفاع از آزادی اندیشه، قلم، بیان واجتماعات درایران هانوفر - آلمان ۱۳- کمیته همبستگی بامبارزات مردم ایران گوتنبرگ- سوئد ۱۴- کمپین دفاع از مبارزات دمکراتیک مردم ایران- انگلستان ۱۵- آسبل کمیته گروه ایران- سوئد ۱۶- کانون فرهنگی نگاه-اسن آلمان ۱۷- مرکزاسنادوکتایخانه ایرانیان - گوتنبرگ سوئد ۱۸- کانون تلاش برای آزادی قلم و بیان واندیشه -آمریکا ۱۹- انجمن برابری- گوتنبرگ سوئد ۲۰- انجمن گلشن- آمریکا ۲۱- جامعه دفاع از حقوق بشرودمکراسی درایران- گوتنبرگ ۲۲- انجمن قلم ایران در تبعید ۲۳- کانون فرهنگی ایرانیان - مالمو سوئد ۲۴ - انجمن فرهنگی ایرانیان - بوروس سوئد ۲۵- انجمن والیبال ایرانیان (پاس) - سوئد ۲۶- رادیو صدای زن - ونکور کانادا ۲۷- کانون فرهنگی وسیاسی اندیشه - مونسترآلمان ۲۸- اتحادبرای دفاع از حقوق بشردرایران - واشنگتن ۲۹- رادیوهمصدا- اسلونوروز ۳۰- نشریه آوای زن- اسکانندیانوی ۳۱- انجمن آناهیتا - استکهلم ۳۲- انجمن سبزه‌های ایرانی مقیم سوئد ۳۳- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی وعقیدتی در ایران- سوئد ۳۴- کمیته دفاع ازحقوق بشر درایران- سوئد ۳۵- کانون فرهنگی هنری آفتاب- سوئد ۳۶- همایش دمکراتیک ایرانیان شهرمانیس وویسادن- آلمان ۳۷- کانون پژوهش فرهنگ ایران- گوتنبرگ سوئد ۳۸- انجمن دوستی ایرانیان وسوئدی ها- استکهلم ۳۹- بنیاد دکتر هما دارابی ۴۰- کانون پناهندگان سیاسی- هانوفر ۴۱- تشکل مستقل زنان ایرانی- هانوفر ۴۲- کارگاه سیاسی فرهنگی ایرانیان- هانوفر ۴۳- انجمن بیداری ایرانیان ۴۴- رادیو آوا ۴۵- کانون سیاسی فرهنگی ایرانیان- هانوفر ۴۶- همایش زنان ایرانی - هانوفر ۴۷- رادیو آوا ایران پاریس ۴۸- سازمان دفاع از زندانیان سیاسی ایران - تورنتو کانادا ۴۹- کانون نویسندگان خردگرای ایران ۵۰- رادیو ییک گوتنبرگ سوئد ۵۱- جامعه بین المللی حقوق بشر ۵۲- مجمع ایرانیان دمکرات وآزادپخواه - مونیخ آلمان
- احزاب و سازمان های حمایت کننده :**
- ۱- کمیته اتحادعمل برای دمکراسی درایران متشکل از : حزب دمکرات کردستان ایران؛ سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران؛ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۲- سازمان های جبهه ملی ایران - خارج ازکشور - سوئد